



تمدید صادرات گاز به عراق

بازاربینی‌های صورت گرفته قرارداد صادرات گاز به عراق به مدت پنج سال دیگر تمدید شد. مجید چگینی، مدیرعامل شرکت ملی گاز به ایسنا گفت: در شرایط فعلی برنامه‌ای برای صادرات گاز نداریم و اگر قرارداد جدیدی برای صادرات گاز امضا شود، نسبت به آن متعهد خواهیم بود. او با اشاره به آخرین وضعیت و برنامه صنعت گاز برای صادرات به اروپا، اظهار کرد: در حال حاضر برنامه‌ای در این رابطه در دست اجرا نیست. او درباره برنامه‌های افزایش صادرات گاز نیز گفت: تعهدات بین‌المللی را انجام می‌دهیم و اگر قراردادهای جدیدی نیز امضا شود، طبیعتاً صادرات افزایش می‌یابد اما در حال حاضر قرارداد‌های جاری را انجام می‌دهیم. او با اشاره به تمدید صادرات گاز به عراق اظهار کرد: علاوه بر این با کشور ترکیه نیز مذاکراتی را برای تمدید قرارداد داریم که در همین راستا نیز کارگروهی مشترک ایجاد شده و موضوع به‌طور جدی پیگیری می‌شود.



وعده جدید اشتغال

دولت در حوزه اشتغال و رفع بیکاری وعده می‌دهد تا پایان کار دولت سیزدهم نرخ بیکاری به ۸ درصد برسد. به گزارش ایسنا، محمود کریمی‌پیرانوند، معاونت اشتغال وزارت کار از ثبت بیش از ۹۰۰ هزار بیمه‌شده جدید تأمین اجتماعی و کاهش ۱۰ درصدی تعدیل نیروی کار در سال گذشته خبر داد و ابراز امیدواری کرد تا پایان دولت نرخ بیکاری به کمتر از ۸ درصد برسد. او با اشاره به کاهش ۱۷/۸ درصدی نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان اعلام کرد: براساس داده‌های موجود، نرخ اشتغال ناقص ۸/۲ درصد و نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال به ۲۱/۲ درصد رسیده است. این در حالی است که خالص اشتغال ایجاد کشور در سال ۱۴۰۲ به رقم کم‌نظیر ۷۷۵ هزار نفر رسیده است. او با بیان اینکه استخراج این آمار در حالی است که در استاندارد متغیرها تغییری ایجاد نشده و هیچ‌گونه آمارسازی در این باره وجود ندارد، متذکر شد: در وزارت کار موظف هستیم طبق وعده ایجاد یک میلیون شغل عمل کنیم.



یادمان اقتصاد دان

توسعه از دست رفت

در مراسم گرامیداشت حسین عظیمی آرانی از اساتید برجسته اقتصاد ایران، چرایی عدم بلوغ اقتصاد طی یک دهه گذشته بررسی شد



عکس: آرش خاموشی، هم‌میهن

نظر من مشارکت فردی باید به مشارکت خانوادگی تغییر کند و اگر این اتفاق رخ ندهد کشور ایران در نسل‌های بعد فقیرتر خواهد شد و چاره‌ای جز تغییر نیست. اگر بخواهیم همراه با نیروی کار به سطح بالاتری از بهره‌وری برسیم باید مشارکت خانواده را گسترش دهیم و مانند گذشته به جای اینکه یک نفر شاغل باشد حداقل یک‌و نیم نفر شاغل باشند. این روند در قضیه زنان بیشتر مورد تأکید است چراکه متأسفانه باب شده که زنان به شکل‌ها و بهانه‌های مختلف از بازار کار خارج می‌شوند. اگر سرمایه انسانی مولد را جدی بگیریم و آن را پرورش دهیم می‌توان انتظار داشت که در آینده به ثروت تبدیل شوند.

دهه‌ی از دست رفته توسعه

حسین رجیب‌پور، استاد دانشگاه و نویسنده کتاب «توسعه متزلزل» نیز در این همایش گفت: دولت در برنامه هفتم توسعه واژه پیشرفت را به جای توسعه به



کار برده است اما در نهایت به دنبال رشد است و در احکام اولیه و سیاست‌های اصلی آن عنوان می‌کند که رشد متوسط ۸ درصد را می‌خواهند یعنی از میان همه تحولات مفهومی به تلقی از رشد برمی‌گردد که قدیمی‌ترین و به تعبیری قابل انتقادترین تعریف از رشد است. نتیجه اینگونه برخورد‌ها این می‌شود که شاهد گسستگی میان وضع موجود و انتظارات نظری برنامه‌ریزان هستیم. آنچه در یک دهه گذشته تجربه کردیم می‌توان آن را «دهه‌ی از دست رفته توسعه» دانست و در انتهای این دهه درآمد سرانه کشور کمتر از ابتدای دهه بوده و هر شاخص توسعه‌ای به آن نگاه کنیم وضعیت بدتر شده است.

اگر اکنون شرایط تحریم را تجربه می‌کنیم، مواجهه با آن نیز اقتضانات خودش را دارد و نباید سیاست‌هایی که در شرایط عادی داریم ملاک قرار دهیم و از آن استفاده کنیم. موضوعی که باید به آن توجه داشت این است که وقتی بحرانی داریم و تداوم پیدا می‌کند با یک بحران ساختاری مواجه هستیم که نیاز به پاسخ‌های متفاوت دارد. در ایران اثرات تحریم در بالاترین سطح خود را به صورت جهش‌های ارزی نشان می‌دهد و پس از آن نیز به شکل تورم و رکود آن را می‌بینیم که هم عملکرد اقتصادی و هم عملکرد اجتماعی را تخریب می‌کند اما پاسخی که به آنها داده شده معطوف به شرایط عادی است که در نهایت این مشکلات را تشدید می‌کند.

در حال حاضر الگوی تولید و مصرف در اقتصاد ایران تعادل ندارد و رابطه صادرات و واردات نیز دچار مشکل است چراکه تولید ما به شدت وابستگی وارداتی دارد و همچنین تجارت بخش نامولد بر بخش مولد چیره شده است که تأثیر خود را بر روی نرخ سود، نرخ ارز و نرخ دستمزد گذاشته است. ما باید از این وضعیت استثنایی خارج شویم و تنش‌ها در سیاست خارجی کاهش پیدا کند که فعلاً در افق کوتاه‌مدت متصور نیست.

اگر بخواهیم به آموزه‌های دکتر عظیمی اشاره کنیم، در شرایطی که مدارهایی وجود دارد که توسعه‌نیافتگی را بازتولید می‌کند اگر پاسخ‌ها مطابق با اقتضانات ساختاری موجود نباشد نتیجه تداوم همان مدارهای توسعه‌نیافتگی

مشکل خواهیم شد، نه به صورت عمدی اما برای ما بحران ایجاد خواهد شد چون منافع در روابط خارجی مهم است. دکتر عظیمی می‌گوید بین نهادها روابطی وجود دارد و بین آنها اصولی حاکم است و همه آنها باید با هم حرکت کنند که البته کار سختی است و ناهمگونی وجود دارد پس در روند توسعه حتی در کشورهای عادی نیز با تنش مواجه خواهیم بود و اساساً ذات برنامه‌ریزی و فرآیند توسعه، بحران‌زا است. در چنین شرایطی اگر ساختار سیاسی که قدرت را تنظیم می‌کند با شعار اصلی هماهنگ نباشد و الگو نداشته باشد کل ساختار را دچار مشکل می‌کند و اساساً توسعه غیرممکن خواهد شد. مرحوم عظیمی می‌گفت ذات توسعه بحران دارد و به فرد خاص و حکومت خاص ربط ندارد و اگر الگوهای توسعه را شناسیم همیشه فکر می‌کنیم عده‌ای در حال نقشه کشیدن برای خرابکاری در روند توسعه هستند در صورتی که چنین نیست و اساساً ذات توسعه بحران‌زا است.

سرمایه انسانی به ثروت تبدیل نشد

علاالدین ازوجی، استاد اقتصاد که سابقه ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران را دارد نیز گفت: مرحوم حسین عظیمی در برنامه چهارم توسعه، چارچوب، نظم و اخلاق اجتماعی را دنبال می‌کرد. او تأکید می‌کرد که ثروت چگونه اتفاق می‌افتد و آن را از زاویه سرمایه انسانی می‌دید اما متأسفانه در ایران سرمایه انسانی به ثروت تبدیل نشد.



در حال حاضر اقتصاد ایران به میزان زیادی از داشتن نیروی انسانی بی‌بهره شده است و وقتی آنها در چرخه تولید قرار نمی‌گیرند معلوم است که صندوق بازنشستگی ورشکست می‌شود. رشد اقتصاد ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ تقریباً کمتر از یک درصد است. اگر بخواهیم به رشد برسیم نیازمند رشد اقتصادی ۶/۵ درصدی هستیم. این به سیاستگذاران می‌گوید که اقتصاد ایران با این منابع انسانی نمی‌تواند رشد بالاتری را تجربه کند و برای اینکه این اتفاق رخ دهد به جز بحث سرمایه و نیروی کار باید کیفیت عوامل تولید را تغییر دهیم. من بحث رشد را در یکی از نهادهای بین‌المللی مطرح کردم که خیلی از آن استقبال شد و ما نیز می‌توانیم از نگاه سود جمعیتی از آن استفاده کنیم. اگر می‌خواهیم سطح بلندمدت ما از ۳ درصد به ۷ درصد برسد، نیازمند این هستیم که جامعه توانایی رسیدن به رفاه و پس‌انداز را داشته باشد و به صورت خودکار کار و تولید انجام دهد و آنها منجر به این شوند که بخشی از منابع خود را وارد چرخه تولید کنند. سیاستگذاری اقتصادی ایران باید به سیاستگذاری اجتماعی و پس‌انداز اجتماعی برگردد.

سیاستگذار چاره‌ای جز این ندارد که آموزش مهارت‌های اجتماعی و زندگی را برای نوجوانان و جوانان به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه مورد توجه قرار دهد که متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است و ما خروجی آن را در اعتراضات خیابانی می‌بینیم. به نظر من به‌عنوان یک کارشناس، آموزش‌های مهارتی از بابت کار در فرآیند توسعه بر آموزش‌های عالی غلبه دارد. همچنین به



علی ایوبی
گزارشگر هم‌میهن

بیست‌ویک سال از درگذشت حسین عظیمی آرانی که او را یکی از معماران مهم اقتصاد ایران در دهه هشتاد و دولت اصلاحات می‌دانند گذشته اما یاران و همفکران او بنا به یک سنت ۱۱ساله در همایش سالانه «مرزهای دانش اقتصاد توسعه» کنار هم جمع می‌شوند و از تلاش‌های او، که یک نمونه آن تدوین برنامه چهارم توسعه بود و با مرگش نیمه تمام ماند، قدردانی می‌کنند. اساتید و کارشناسان اقتصاد و توسعه روز دوشنبه در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی گردهم آمدند و نشست «برنامه‌ریزی توسعه در شرایط تحریم و تنگناها» را برگزار کردند. در این نشست فرشاد مومنی، اقتصاددان که سابقه همکاری با مرحوم عظیمی را داشته، میزبان مراسم بود و ابراز امیدواری کرد تا روزی خانه پدري مرحوم حسین عظیمی در شهرستان آران و بیدگل به «موزه توسعه» تبدیل شود.

فرشاد مومنی:

اگر رابطه با مردم مبتنی بر اعتماد باشد می‌توانیم با همین ظرفیت‌های انسانی و مادی و به مدد اندیشه‌هایی از جنس اندیشه‌های مرحوم حسین عظیمی ایران را نجات دهیم

ذات فرآیند توسعه بحران‌زا است

خسرو نورمحمدی، اقتصاددان و نویسنده کتاب «برنامه‌ریزی توسعه در ایران» به‌عنوان اولین سخنران در این همایش عنوان کرد: براساس چارچوب و مبنای فکری مرحوم حسین عظیمی، ایران باید به توسعه و تمدن‌سازی برسد و برای آن برنامه‌ریزی کند. تعریف توسعه و تمدن در نگاه بزرگان اندیشه تعریف یکسانی دارد و همه بر این نکته تأکید دارند که برای رسیدن و تحقق هر دو آنها نیاز به تغییرات اساسی کلی و جزئی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه است. برای ساخت تمدن و توسعه باید اندیشه داشت و آن را در ساخت‌های کشور شکوفا کرد تا به یک ظرفیت رسید. در ایران نزدیک به ۱۵ نهاد اساسی داریم که باید آنها شکوفا شوند تا بتوانیم توسعه پیدا کنیم. خودروپی که بنزین ندارد هر چقدر مدرن باشد نمی‌تواند حرکت کند و یک ضعف کوچک و ایراد یک قطعه ریز، کل آن را دچار مشکل می‌کند. در توسعه نیز به هزاران هزار جزئیات باید توجه کرد. هر کدام از این جزئیات دچار مشکل شد فرآیند توسعه کند و حتی متوقف می‌شود.

مثلاً گفته می‌شود می‌خواهیم دانشجو تربیت کنیم اما دانشجو شغل نیاز دارد پس باید ساختار اشتغال درست شود. هر رفتاری در مسیر توسعه ما را با چندین نهاد درگیر می‌کند و اگر از قبل الگویی نداشته باشیم و به اجزا توجه نکرده باشیم، به جایی نخواهیم رسید. مرحوم دکتر عظیمی بحثی را مطرح کرده و می‌گفتند نهادهایی اصل است و آنها تعیین می‌کنند که می‌توانیم توسعه پیدا کنیم یا خیر. اگر میلیاردها دلار پول داشته باشیم مهم نیست بلکه باید دید مثلاً ساختار فرهنگی کشور با توسعه مدنظر شما هماهنگ است یا خیر، اگر به دنبال تولید هستیم باید ساختار فرهنگی را بر همان اساس شکل دهیم. نکته بعد عوامل خارجی است چون کشورهای قدرتمند نیز مهم هستند، اگر وضعیت ما در نظم نوین جهانی مشخص نباشد دچار